

بجانب من باز و دست طفیان اجانب بدامن ناموس عصمت من دراز است و پس از دو چار این همه تاملات غیر قابل الانکار در این سال جدید چشم عالمیان بجاپ شا اولادان من باز و گوش جهانیان بانار و اخبار شا فراز است که آیا در مقابل این همه خدمات و ضروریات بعالم اسلامیت و ایرانیت از عمره جهلی و دویت در مقابل نبرنگهای داخلی و خارجی چه فکری بر سردارید و چه باطل السحری در بر

علی الصباح چه هنگام از خواب خواهید برخواست رفتند حاجان و رسیدند بر حاجز مادر نخست مرحله مشغول خوابناز

کدامین دست تجارت دیده خواب آلود خود را خواهید مالید خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده را زسیل پس از بیداری از خواب غفلت کدامین مسلك مستقیم را بر خلاف سابق خواهید پیود از همان راهی که رفتید و مقصد ترسیدید خواهید رفت یا تغییر مسلك خواهید داد؟ همه را از خود خواهد دانست یا همه کس را از در خود راه نخواهد داد؟ هر کس برای خود راهی اختیار خواهد کرد یا همه از يك راه رهسپار خواهید گشت در هر بانی بیانی و در هر سری سو دان خواهید بود یا همه يك زبان و يك سر و يك سودائی خواهد بود کار خود را خود خواهید کرد یا دیگران رجوع خواهید کرد؟ زیر بار تفکر رفته کار را باعاش می سپارید یا خود را در هر کار دانا خواهید دانست؟ با جمله حالات و اغراض داخلی و خارجی را با کدامین حرب و تدبیر مدافعه خواهید کرد؟

با دست اتفاق یا با حربه اتفاق؟ و جبران زمانه سابقه و تکمیل حاکمیت ملیه را با کدامین عقل خانه خواهید داد

آه آه باز دیوانه شدم زنجیر ~~کو~~ چه شدان هیئت اسلامیت که کار رفت آن غیرت ایرانیت که زیب تواریخ عالم اسلامیت است چه شدان سلاصین ناج بخش ایران که جارفیت آن نگاه دارند تا به کیان کوان راد مردی که برای يك بز نو

مدتی شمیر از کمر باز نکرد تا بواسطه جبران عالمی را جبران ساخت اینک سراز خواب بر دارید ملت خود را در مذاب و رقیبات را از ذوق غالیبت با چنگ ورماب مشاهده کنید چه شد آنهم اتفاق مسلمانان و اتحاد ایرانیان که با يك حله نیدرانه و اقدام جسورانه که بمنزل ششپن نمانده آل قاجار در داد عالمی را محو اقدام خود کردند آری این همه شجاعت و رشادت تاریخی نام اتفاق و اتحاد کتب شده است و پس ایرانیان راست که دیگر پس از این بخود آیند بايك کله جامه اتفاق و اتحاد خرابیهای خود را جبران نمایند و آب رفته را بجوی باز آورند و الاجز نودن طوق اتفاق چاره دیگر متصور نبوده و این شبهه السیف نیز در شرف اضحلال است (ره چنین است مردمانش و برو)

مکتوب مشهد

(الاسلام، والصلیب)

(و يك عالم نما)

چند روز قبل در مجلس بدم شنیدم که جمعی از اهل آستانه اجماع کرده و مزولی یک نفر از متسین آستانه را از متولی باشی خواستند. میرزا مرتضی قلیخان هم حکم بر مقتضای میل آنها داده ولی بعد پشیمان شده و آقایان را به اصلاح ذاتالبین وادار کرده است -

در اول نظر به بی اهمیتی آستانه کنونی یعنی آستانه که اجزایش معلوم و حالشان آشکار است، اعتنا بطلب فوق المذکر نکرده و بضمون (میان ... و ... همیشه باد نزاع) را بخاطر میگذرانیدم بعد شنیدم که اساس این دشمنی و اجماع بر شعر و بر مقاله نویسی بوده و مسئله آب و رنگی دارد که شایان توجه است -

در مجلس دیگر دیدم شخصی میگوید که چون ملک الشعراء آستانه در جریده خودش که پار سال می نوشت نسبت بدین و آئین محمدی سوء ادبی کرده و در عید گذشته در دارالضیافه در مقابل جمعی و در مجمع گروهی که همه از رجال و بزرگان بوده اند برای یک نفر از اهل آستانه مضمون شاهنامه

را متصدم نموده و کفر خودش را اعلان کرده است -

در مجلس دیگر بودم جوانی را دیدم که روز نامه در دست دارد و اهل مجلس نشان میدهد و انصاف میطلبد -

نگاه کردم دیدم همان شماره ۹ و ۱۰ نوبهار و مقاله (الاسلام و الصلیب) بود خواندم و دقت کردم هر چه که حالا شما از آن مقاله بفهمید منم فهمیده و لحنی پرغریت اسلام و یکی علوم اسلامی و جهالت شما نمایان است پیغمبر گریه کرده و برای اینکه دلم از بغض نترسد صورت آن مقاله را از آن جوان که گویا صاحب مقاله همین مدیر نوبهار و مالک الشریعی آستانه بارک بود گرفته و برای اداره حلالترین که شماره حاکمیت بجا رگان در دایره طالبه صدیق و قلم دستگیرش اجرا شده است ارسال داشتم تا نمونه از حسابات اهالی خراسان و مخصوصاً علمایان بشعور و منت خوران آستانه امام علی بر قارئین آن حریده بپرسن شود -

برای اینکه نگویند مقاله را عرض کرده اند این آن صفحه روز نامه که مقاله در آن درج است ارسال نمودم تا از روی آن نقل فرمائید -

نقل از روزنامه مرحوم نوبهار

(منطبه مشهد مورخه ۱۵ شعبان سنه ۱۳۲۹)

(الاسلام و الصلیب)

(رؤیای مسجد رسول)

شهر مدینه را يك ابر غلیظی كه ترشحات افسرده خود را توسط يك باد مخالف بدرو دیوار میباشید - فرا گرفته آفتاب نزدیک بدروب رسیده ولی اشعه آتش را جسم کثیف بخارات هوای مانع از حرارت کشته ، يك يك سنگ مرمری که از ته يك گودال آب باران اندکی دیده میشود : همان نور رنگ قرص آفتاب شرب وار از پشت ابر دیده میشد !

مؤذنین اعراب بالا بوشهای پشمینه خود را بدوش کشیده منتظرند که از مسجد رسول مؤذن مخصوص (بلال) آواز دهد تا آنها نیز وظیفه خود را انجام داده مردم را بآرف نماز گاه رسول دعوت نمایند !

گفته است ، آقای میرزا عبدالمجید خادم باشی او را تکفیر کرده و آقایان آستانه اجاع کرده معزولی او را از متولی باشی خواسته و قرار شده است که دیگر مشار الیه در آستانه تصاد رسیده را نخواهد و از این شرف محروم ماند -

من انتصاف کردم و روزی میرزا عبدالمجید خادم باشی را ملاقات کرده و ضمناً پرسیدم که آیا مدیر نوبهار و فتوائی که شما در باره او داده اید راست است یا نه ؟ و جبارنی که اونسبت به اهل آستانه کرده از چه قرار است ؟

حوایه داد که جبارنیهای او نسبت به اهل آستانه تازه کی ندارد و ما اهمیت بآنها نمیدهم چنانچه در روزنامه جات دیگر هم عزوا جنگ و در عین اهل آستانه نسبت داده اند و همه را این آدم نوشته در ابوت داده است ولی ما ابدأ بآنها اهمیت نمیدهم ، از مدح و ذم آنها بر ما نداریم ، ولی چیزی که ما علمای آستانه را بطرفیت آت و داشته همانا مطالب کفر آمیزی است که این شخص در روزنامه خودش (نوبهار) نوشته و اعلان بکفر و زندقه کرده است لذا ما علماء و مجتهدین خاک و هب این آستانه که شک امام رضاع پرورش یافته ایم تا جان داریم نخواهیم گذاشت این اشخاص و روز نامه اینها داخل در آستانه بشود -

از وضع تقریر آقای معظم و تصدیق سید هائی که اطراف او نشسته بودند که بعد معلوم شد قوم و قبیله آقا و خادم های امام رضای او بودند من متعجب شده و پرسیدم که آقا خوب است فرمائید که چرا یار سال که روز نامه دایر بود کسی این فرمایشات را نکرد و علمائی که در مشهد و سایر جاها بودند دوک این مطالب را نکرده و جریده مزبور را توقیف فرمودند ؟ - گفتم پارسال مشروحه دایر بود و کسی جرئت نداشت بر ضد این آدمها حرف بزند فوراً او را میکشند اما امسال دیگر آت حرفها گذشت -

گفتم خوب آن روزنامه که دو او کفر بوده است کدام است ؟ فرمودند در نمره ۶۹ نوبهار در مقاله اول و عنوان (الاسلام و الصلیب) در آن مقاله جگر اسلام را پاره کرده روح رسول الله

چنین گنت که میدانید در این مدت تمامی ملت
من چه رسیده و ضربات آسمان با چه شتابی کرد
و خاک مذلت را بر فرق ممالک من - ملت من
- قبیله من ریخته است ؟ ...

(يك سكوت كربه آور !!)

باز ناطق مشغول ابرق شد : ... آیا خبر دارید
که از نژاد های باک و ان دلیران غیور که از دشت
حجاز بر خواسته سر تا سر عالم را با فوه قهر
مایت خود با حنای نیت خود - با راستی رای و
درستی اخلاق خویشتن بیاد است امروز با چه
حالت اسف انگیزی امرار حیات میکنند ؟ ...
(بهت و رفت ! ...)

باز ... آیا شنیده اید : «ت قانون سیاسی
و اخلاقی و اقتصادی را که خدای من بمن گفته
و من با هزاران خون دل با شمشیر قوای ملی -
با عدل و سیاست توای عمر - با جان فشانی های
شاهای صحابه ، در اضراف و اکناف عالم انتشار
دادم و يك اساس متقنی در مقابل شالوده های
ناقص پیشینیان در عالم مدنیت بجای نهادم امروز
با چه ضرباتی دارد معدومیت و محویت خود را
در نظر من نشان میدهد ؟ ! ...

(خشم و اسف ! ...)

مجدداً .. آیا میدانید که روزگار چنان کار بانگس
- سوما طرا تونس - الجزایر - هند و غیر هم
چه شبده کرده و چگونه بندگان ما را بر ما تسلط
داده و پسران و رهبان را بجای خلنای من بر
گزیده و دختران غازیان عرب را پردکی برده
کیان نصاری فروخته است .

(..... - ! ...)

آیا میدانید که بقيةالسیف دول اسلامی
بقوه غیرت و حمیت خود را نسکه داشته و اندکی
بایه شریعت مرا استوار داشتند امروز بجه بلاه
بزرگ دچار شده و با چه سختی ها آخرین روز
حیات خود را در پیش روی من وداع میکنند
(ایران - عثمانی - افغان مراتش)

(ندیه - و ناله ! ..)

آیا میدانید که عیسویان متفق شده و بر سر
این بقایای عهد اسلامی تاخته و چه مصیبات عظیمه

اعالی مدینه را کوئی يك خاطره نازه که از
یورش اعراب مکه و یهودی های نبوک نیز اهمیتش
بیشتر بنظر مباد فرا گرفته همه بيك حالت بهت
و تفکر اندر شده اند

چراغ مسجد هنوز روشن نشده زیرا خورشید
هنوز تاریکی شب و اجازه دخول نداده است ...
جعی از اعراب که گویا نازه ازضروه مراجعت
کرده و لباس های خرد را که از کشاکش جدال
پاره شده بود پینه نژده بودند ، بر يك طرف
مسجد زانو ها پل گرفته ساکت نشسته اند .

علی بن ابی طالب پیش تر از انها ایستاده
عمر بن الخطاب - سعد بن وقاص - خالد بن ولید
و چند نفر دیگر از رؤس اعراب نیز ~~که~~ در
تاریکی درست شناسخته نمی شوند بر يك طرف
مثل این که يك خبر مهمی رسیده است تکیه بر
دیوار داده و منتظرند که از طرف بزرگ خود
شانت (محمد بن عبدالله . ص .) که زاویه
مسجد را بوجود باهیمه خود آراسته بود : چه
اظهار می شود . ؟

در این بین که سکوت و تاریکی غم انگیزی
سر تا سر مسجد را فرا گرفته بود صدای معتدلی
که ازات جلالت و عزم و اندکی خشم از ان
تراوش میکرد شنیده شد که : فرموده آیا میدانید
چه پیش آمده ؟ ...

از ان این سخن يك لرزه شدیدی حاضرین
را فرا گرفته پروزات این و آه از هر طرف دیده
شد - و گفتی که همین يك سخن و ابهام مذاکره می
نماند :

الاسلام و الصلیب

بار دیگر هات سخن شنیده شد که گنت :
نعم : الاسلام و الصلیب ؟ ... این کلام در زوای
مسجد عکس انداز شد . بار دیگر حاضرین فریاد
بر آوردند که : الاسلام و الصلیب - الاسلام و الصلیب
این آواز بايك اعتزازی در يك قسمت از شهر
طنین انداز شده و عین همین صدا را دیوار ها و
خاقهای خاها منعکس کرده بگوش مسجد باث
بر گر داید .

وقتی بود که همان ناطق اول مشغول نطق شده

رسان را هم می خواهند از میان بردارند و دوره
جایزه را که من ازان بزرگی می جویم روی
کار آورد ؟

در اینجا گریه شدید گلوگیر شده ناطق مجمل
از نطق در ابتداء و يك گریه و های مان از
این سر تا آن سر مسجد رسول را فرا گرفت ؟
صحابه سر هارا بزانو گرفته از اشک حسرت حسیب
مسجد تر کردند ،

پس از لغتی کریستن ناطق سر بالا کرده و
متیرانه از جای برخاست . صحابه بر خسته و آواز
زاری و ناله از تمام شهر مدینه شنیده می شد .
بیرق سیاهی که اطراف آن دریده شده بود بر
بالای دیوار ... مدعب گردید ، دیوار های شهر
بتدریج با بارچه های سیاه و کبود که علامت عزرا
و مرگ زده کی است پوشیده گشت . رسول خدا
برای نماز مراجعت فرمود بجای سیاهی بر قامت
خود راست کرده از شدت گریه صورت مقدسش
شکسته می شد . درین بین حکام اذان رسید -
موزن بجای فانك الله اكبر . فاتحه اسلام را شروع
کرد ...

من از خواب برخاستم .

ولی مسلمانان هنوز بخوابند ... !!
حالا شما بخدا سوگند میدهم . تاکی که علمای
آن چنین و مقلدین ایشان چذو حال و روز بودند
گرفت و ارباب قلم و صاحبان حس و ذوق این
گونه باشد ، میخواهید وضعیتش از این که هست بهتر
شود ، میخواهید نور دیانت و مدنت در یک چنین
مملکت خرابی بارقه نشان گردد ! میخواهید تکبت
و فلاکت و سفالت و دناوت سرا پای این مملکت را
احاطه نکند -

آستانه که اهالیش اینطور باشند میخواهید بتوب
روس ویران نشود -

تجرب است که مدبر نوهار پس از آنکه آقایان
مف خور بر ضد او اقدامات کرده بودند یکی از
آنها نوشته بوده است ، که آلمانی خوب بود این
اجتماع و اقدامات را که در دفع من بنوا بکاربرد
در دفع یوسنجان و طالب الحق از آستانه بکار میبردند
تا توب روس بنیساد آستانه را خراب نکند -
باری باید از حضرت والا نیرالدوله متذکر بود

را باین غریبان بی کس نصیب کرده اند ؟ ا ،
آیا خبر دارید که دولت فرانسه و آلمان و ایتالی
پس از آنکه چهار سال بی جاره مراکش را دچار
بازی های خود ساخته و فرزندان مرا بذلت و
خاری در انداخته و زن و بچه آنان را کشته و
اسیر کردند حالا متنق شده و معاهده تقسیم آف
قطعه اسلامی را میان آورده اند ؟ !

آیا شنیده اید که قاضیان مصر ، ضابطان
بالکان - مهاجین برفع و قفقاز و بخارا با فرزند
رشیدم عثمانی چه ملاعبه های گرگانه و چه
بازی های سبانه کرده و چه گونه از چهار طرف
محویت استقلال او را میان بسته اند

آیا میدانید ! که مرپیان هندوستان چگونه
دست و پای افغانستان را بسته و راه دوستی و
یکانگی آن فرزند صکوجک مرا بادیکر برادوانش
سدود نموده اند ؟ !

(اینجا با بغض و نفرت) آیا میدانید ،
دسیه دشمنان اسلام و عدوان قرابت پیمدستی
فرزندان نا خلف من چه آنها در خانه نور چشم
من ایران بر افروخته و زچه بلیات عظیمی را که
با محویت کلیه دول اسلامی توأم است ، بطرف
ان يك مشت ملت مظلوم من سوق داده اند !

د ما گریه بکنو ، آیا میدانید که قبایل و اسلام
- و (خرستیان) ، با چه عداوتی کربتل و اسارت
و اعدام دولت ایران بسته و چگونه فرزندان
طاق شده مرا بسته و فساد در داخله ان مملکت
ترغیب ساخته و برتدین و مطرودین ان حوزه
اسلام را با آتش افروزی تهیج می کنند ؟

آیا میدانید که چگونه مسلمانان دروغی بازاری
مدست شده و در اعهای مشرطیت ایران کوشش
خارند ؟ !

(با غضب شدید) آیا می دانید که بعضی نمایا
تمایان امت من نیز در عوض اینکه آشوب و فتنه
را بخوابانند و بنظر سیاست بهواتب حال مملکت
بنگرند هر يك علی الرغم یکدیگر هر روز غوغا
و فساد حادث کرده و هر ساعت يك اختلاف و
دوئیت پیش مسلمانان فراهم می نمایند - مشروطیت
دورخشنده کی و حیات قانون مرا بژده میداد - آیا
میدانید که این اختلافات عنقریب ان رسول مزده

که يك دو ترمض آفتاب فضل را از خرد خود
شان پیاده کرد -

حزب اتحاد اسلام

ای نشسته بر بساط شادمانی بر قرار
ای گرفته دیده گانت و از نادانی غبار
روح استقلال اسلام است اندر احتضار
ای دل بر زمان بسوز ایچشم گریان خون بار
گشت ویران دولت اسلام از جهل و نفاق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
ای هوا خواهان اسلام و نیکمداران دین
ای گروه پیروان شرع خیرالمسئین
ای نشسته روز و شب بر سند شرع مبین

ای گرفته بر آفت خود وایت حق یقین
از نفاق ایدوت زهد اسلام داد الفراق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
درات اسلام چون شد کین چنین کشتی زبون
عزت اسلام چون شد کین چنین خوار و زبون
بیرق اسلام چون شد کین چنین شد و از گون

کشتی اسلام چون شد کین چنین شد سرنگون
باعث این ذات و خاری بود کفر و شقاق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
ایخوش آرزوی که بد اسلام را عز و شرف
وایت فتح و ظفر و دیش در میدان بکف
جان شاران بجای بازی ستاده صف بصف
سینه اعدا به تیر فیرشان بودی هدف

یاورانش بهر استقلال وی در اتفاتی
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
قوت کفنا رو بازار کلبه سارا بین
بر مساجد بانك ناقوس مسبحارا بین
شوکت اسلام اندر ورخته یفا بین
اتفاق کفر اندر آهدام ما بین

این کشاکش را نیندازید شوخی و مذاق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
تا یکی اندر بی تدابیر و زهد و طلیسان
چند اندر جامه بی دانشی چون مقلسان
چند بر جان ضعیفان همچو فوج کرکسان

تا بی نظم و ستم با این گروه بیگسان
شرع را رو بیچ ستوان کرد با جوب و جفاق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق

قصه اسکندر و جزه کنون باید بکار
بر سر بازار دنیاگر هنر داری بیار
غزن غر و شرف را علم باشد و هسبار

مرئای ملک را علم است محکم استوار
بر کند بنیاد فقر و جهل و علم و وقار
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
تا یکی با عقل و دانش سرکشی و دشمنی
در اسارت میکشد هر قوم را برداشتی
از جهات رفت استقلال و ایام خوشی

چاره بایستی نمود افتاده رای خرد کشتی
آب رفته باز آید جوب شود محکم و نایق
ای مسلمانان خدا را اتفاتی افتاق
(امضا وانه خراسانی)

(بوشهر)

راه بوشهر الی شیراز در واقع از اهمیات هوای
یکی رئیس قشون فارس نزدیک است تمام منازل
در تحت اداره ژنرال مری باید تا کنون چندین
قره خودش بجهت ملاقات خوانین و کلانتران از
کازرون تا برازجان آمد و رفت کرده تا اینک راه
را پاک کرد که قشون انگلیس از شیراز بسلامت
وارد بوشهر کردند و عمده خرابی منازل راه
بوشهر منزل (تنک ترکان) و (جعفر جن) بود
که خیلی به مردم صدمه میزدند و این دو منزل را
هم تصرف کرد و صاحب منصب سویدی رئیس کل
ژنرال مری تا بوشهر آمد بکشتب توقف کرد و بطرف
بصره و بغداد رفت که گویا از طریق کرمانشاهان
برود بد طهران در قورخانه دولتی که در گمرک بوشهر
بود اغلب حل شده و میشود و فعلاً دو پایکی در
کازرون نشسته که این قورخانه بسلامت برده شود
اما هنوز غضنفر السلطنه خان برازجون کاروانسرای
برازجون را که مرحوم مشیرالملک برای عابر السبیل
عاقته حالا در بسته و خودش تصرف کرده یکی
را راه میدهد و نه بدست دیوانیان میدهد که حالا
کار گذاران دولت در حسینیه منزل دارند این است
انتدار دولت و اختیار کلانتران ، سفیر فرانسه که
بنا بود از شیراز بیاید کازرون و شاپور سیاحت
کند قدری کسالت داشته هنوز در شیراز است
راه شیراز الی اصفهان بسیار مفشوش و اغلب
قافله و پست منسوب میشود -

➤ مرخصداشت عاجزه والده داکتر عبدالغنی
(ساکن جلال پور جستان ضلع گجرات)
(پنجاب)

➤ بسم الله الرحمن الرحيم

(بحضور لامع الذور اعلی حضرت مایونی
شهنشاه گیتی پناه فلك بارگاہ سلیمان جاء ظل الله
سراج الملة والهدى والى دوات خدا داد افغانستان
خدا الله ملكه و دنم على منارق الملین وآله
بعد از حمد فراوان احکام بسیارین که تصرف
هیچجه هزار عالم در حبله قدرت اوست و درود
تا محدود بر سید کائنات خیر البشر که زبان قلم و
قلم زبان قاسم از مقیت اوست - کترین کنیزگان
مادر کور بخت داکتر عبدالغنی و مواری نجف علی
و محمد جراح حقه سر مایه حیات ابن مسکینه و
قره العین ابن عاجزه بودند و حالا در زندان
کابل اسیر هستند بعد عجزو ادب و مرادات
تضرع و التماس گریه و زاری خود را بمسامع اجلال
اعلی حضرت شهنشاهی رسانیده عارض است که از
راه مراسم خسروان فرزندان این پهلای آلام و اعنایاً
از حبس مستعین فرمایند - ابن عاجزه نمیگوید که
ایشان بی قدر هستند - خدای سلام القیوب جلالت
عظمتی می داند که حقیقت حال چیست ان الله
علیم بذات الصدور آنچه این مسکینم نوحه مایه
اعلی حضرت مایونی بدان متذکر کردن می خواهد
این است که حضرت حق سبحانه و تعالی چندین
ذنوب سنار و کبار ما بندگان تقصیر پیشه را عنو
میفرماید و حساب ازان نمیگیرد -

حضرات سلاطین بر مناجات و پوزن ازان کردگواند
(هو الای جبرم خلافت فی الارض) لاجرم ایشان را
نیز صفت عنو و صبح و رحم و کرم کر باید
فرمود - (والکاظمین العیظ والذافین عن الناس والله
یحب المحسنین) این عاجزه را از جهت مشارقت
فرزندان که سلت جگر این مسکینه اند - مدت
پنج سال است در زندان محبوس اند (خواب و خور
حرام گشته - شب و روز به ندبه و بکاسی
گذرد تا بحدی که از افراط ناله و اشکباری چشم
سفید و بشارت زوال پذیرفته - بیش ازین طاقت
مهجوری الاد کبید خوش ندارم - لهذا

بذریعه ابن عرض داشت اظهار حالت زار خود
نموده و اسماہ پاک خدائی عز وجل و رسول اکرم
صلی الله علیه و سلم را وسیله آورده ملتقم مراسم
خسروی هستم - توقع واثق از حضرت علیسانی
شهنشاهی بفرمای ارحوا من فی الارض بر حکم
من فی السماء بر حال خسته این عاجزه ترحم فرموده
فرزندانم را از حبس نجات عنایت خواهند فرمود
ارحم ثم ارحم ثم ارحم یا امیر المؤمنین فانت اهل لذلك
تخلقوا باخلاق الله - ان الله بالناس لروف ورحیم -
زیاده بجز ادعیه ترقی عظمت و جبروت و تخلید
ملك و سلامتت چه عرض نماید

➤ معذرت از مشرکین محترم

کثرت مشاغل کسالتی روحانی که از تلمه های
بی در بی اسلام سوز بنا و سائر مسلمانان رسیده اساله
این اداره اسلامی را کمالاً نادای حقوق مشرکین
محرم موفق نگرداید چون غرض اعضای اسلامی این
اداره ملی خدمت باسلام و مسلمین بود هست بمراعات
الامم فالامم بقسمی دچار مشاغل و مشاغل گردیدند که
موفق به تکمیل وظایف خود نشدند من جمله تشکیلات
انجمن های هلال احمر در هند بود که برای رساندن
انابه به مجروحین عثمانی از آغاز جنگ طرابلس تا
حکون مشغول داشته و نیز برای پیشرفت این مقصود
مجبور باشاء دو روزنامه روزانه یکی بزبان انگلیسی
باسم جبل المتین و دیگری به زبان اردو آن هم بنام جبل
المتین گردیده و بدین ذرایع توجه مسلمانان هند را
به همدردی و همراهی برادران عثمانی جلب و
آنچه بتوسط و اطلاع ما اعانه به انجمن هلال احمر
عثمانی و هیئت های ضمیمه که از هند ولندن فرستاده
شده و يك ازان هیئت ها را ما خود مان تشکیل نموده ایم
رسیده باتع بر سه ملیوت و نیم بوده و هنوز
هم بآن خدمات اسلامی مشغول و باشاءه مستقره دو
روزنامه روزانه جبل المتین اشتغال داریم ازینرو اساله
شماره های جبل المتین در همین نمره که می و چهار است
خاتمه پذیرفت ، و یقین داریم که مشرکین محترم ما بلاحظه
این همه گرفتاری و اشتغالات بخدمت اسلامی ما را
از این تقصیر معذور خواهند داشت و امیدواریم که
در سه آیه که سال بیست و یکم جبل المتین است
بیش از پیش بخدمات ملیه اسلامیه پرداخته جبران این

به را کاملاً بنامیم - (وما توفیق الا باقیه)
(منیجر جبل التین)

اعلان

روزنامه روزانه اردوی جبل التین در قطع بزرگ
مانند روزنامهجات روزانه انگلیسی با تمام ضروریات
اخاری و همین قسم روزنامه روزانه بنگالی جبل التین
مستقلاً اشاعه میشود - قیمت ساله مع اجرت پست
در داخله هند ۹ روپیه و ۱۲ آه هست هر کس
طالب باشد بداره جبل التین رجوع نماید
آدرس تلگرافی این اداره فقط (جبل التین) و
یک کلمه محسوب میشود - و در اداره پست و
تلگراف سفارشی شده چوٹ سے روزنامه از
سه زبان ازیک مرکز به یک اسم اشاعه میشود، هر
گاه طالبین در وقت نگارش خطوط تصریح نمایند که
طالب روزنامه فارسی یا اردو یا بنگالی اند زود تر
تعمیل فرمایشات آنان خواهد شد

(منیجر جبل التین)

(نقل از روزنامه جهره یا منطقه مصر)

زایون و خیالات او در آسیا

(ترجمه از روزنامه روسیا)

روزنامه مذکور مینویسد : در زمان نیست که
دولت زایون در این فکر است که تمام دول آسیای
در زیر یک لوای متحدانه و حمایت عالیه خود در
آورد و آنها را از حمایت دول اروپا محفوظ نماید
و در این وقت حاضر که جنگ بالکان مشغله مهمی
در ساحت اروپا افروخته زایون این فرصت را غنیمت
دانسته و مقصود دیرینه خود را تعقیب مینماید و
معلوم میشود که مقدماً عطف توجه خود را بطرف
عمانی مطلق داشته و از فضا بچیکه دول بالکان
نسبت بمسلمانان روسی نموده احتجاجات بیانی
مینماید

ما فهمیده و معتقدیم که دول بالکان امروز متفقاً
قیام کرده اند که عثاً نیرا از بلاد قدیمه خود بیرون
کنند و لاکن دولت زایون این مطلب را نفهمیده !!
بلکه سراجاً علی روس الاشهاد میگوید جنگ
بالکان مقدمه جنگ اروپا بر ضد آسیاست که دول
اروپا میخواهند بلاد آسیا را گرفته و ملل آسیا را
مخضوع خود نمایند - زایونیا میگویند قشون دول

بالکان مقدمه قشون اروپاست که ناگهانی حمله و
گشته اند و بتدریج فکر شان تجاوز با آسیا و محور
آثار گرانبهای اهالی آسیاست و ما باید جداً
در جاره این خطرات مهیبه او روپایتان بر آیم
نیویورک مرالد تلگرافاً خبر یافته که امپراطور
و امپراتریس حا لیه زایون هر یک خطابه منصل
و مهمی خوانده اند و بواسطه اهمیت عبارات خطا
بهما که راجع بمسوم اهالی آسیا از هر دو زن بوده
دامیان زایون دستور داشته اند

تلگرافات راجع به عمانی

اخبارات و پانه موافق با جریده نیم روسی به
نیستند - چنانچه مینویسند که اگر استریا ظاهر ندارد
که پس از فتح سقوط کرده را چه خواهد نموده
کامیابی آن غیر میسر است چه امروزه قوه قویه
البانی تمام اسد پاشاست و نمی تواند هم اسد پاشا
را دوباره امر قبضه سقوط کرده نماید

چنان گشته میشود که سریعاً وکلای صلحیه دول
خاروب به لندن آمده صلح را انجام خواهند داد
و قلاً بطریق صلح عارضی مرتب و بر آن دستخط
خواهد شد

سفیر استریا مقیم لندن بملاقات سر ادورد گری
وزیر خارجه انگلستان رفته از آن بعد سفیر
روس هم با وزیر خارجه موصوف ملاقی آمدم
نماینده قره طاع هم ملاقات نموده است - و چنان
ظاهر می شود که بعد از محاسبات و مراسلات
بسیار صورت اصلاحی ظاهر میگردد و قره طاع
جواب دول را هم داده است

در شورای سفرای دول معلوم گردیده است
که قره طاع به تخلیه سقوط کرده رضا داده مشروط
بر اینکه معاوضه ملکی جای دیگر بوی داده شود
استریا مصر بوده است که بدون متحمل هیچ
شرطی لازم است قره طاع سریعاً سقوط کرده را
تخلیه نماید سایر سفرای دول در این موضوع
خیلی حصه نگرفته اند با اینکه استریا تا کنون
تصفیه نه نموده است که من باب قره طاع چه
مشکی اختیار خواهد نمود معذالک جراید و پانه
می نویسند که حمله بر سنجی و جنگ سقوط کرده
کاملاً تهیه شده و عرصه یک ماه تمام مناقشات
قره طاع رفع خواهد گردید -

استماع و استماع بانصاف و عدالت دول می نماید
دول در فشار قره طاغ برای تخلیه خاک مقبوضه یکدفعه
بی طرفی خودشان را یکسو نموده اند
شورای چکی که رئیس آن پادشاه قره طاغ به
تصفیه نموده که مطالبه دول را در خصوص تخلیه
سقوطه منظور نماید -

وزرای قره طاغ بملاحظه اینکه شخص پادشاه
در مسئله سقوطه به نظر پادشاه وزراء اختلاف و رزبه
استماع نموده اند -

بر حسب تلگرافیکه از ستدی به سرادوردگری
رسیده علت استماعی کابینه وزراء این بوده که اکثریت
آراء وزراء برخلاف پادشاه چنین فرایافته بود فوراً
باید سقوطه را بخلیه بود -

مسئله سقوطه و قره طاغ به بزرگان پیش خواهد
نموده و مخصوصاً برای امر مقرر داشته
آستریا را عقیده این است که قره طاغ این
اقدامات را برای تنزه و گریز از جواب دول می نماید
بر حسب تلگراف لندن پادشاه قره طاغ بمجلس
وزراء اعلان نموده است که سقوطه را بدول اروپا
خواهد سپرد و در کابینس سزای دول هم این
امر اعلان خواهد شد -

محاصره بین المللی قره طاغ اندک اندک اثرات خود
را ظاهر میدارد چنانچه بواسطه ختم شدن روشن
تنت قوه الکتریک هم تمام شده ، علاوه بر این
مکه و میوه جات و شراب هم نزدیک است تمام
شود -

قتون سرویا تخلیه سرحدات البانی را نمودند
قبل از ورود اسد پاشا آخرین جهاز نقل سرویا
از درازو حرکت کرد -

جنان گتیه میشود در صورتی هم که قره طاغ
تسلیم شود آستریا و ایتالی از خیالات خودشان باز
نخواهند آمد -

در پایتخت آستریا و ایتالی چنین زوزه میشود
که قره طاغ اگر سقوطه را هم تخلیه کند بواسطه
خرابی و بر بادی که همه روزه در البانی زیاد میشود
مداخله های قشون آستریا و ایتالی لازم آمده است
که رفع آن خرابیها را نموده و امنیت برقرار نماید
جنان بیان میشود که آستریا در شمالی البانی از راه

دولت روس مجدداً قره طاغ را متبیه نموده
که اگر فوراً سقوطه را تخلیه نه نماید بخرابی و
برپایی خویش اقدام نموده است - اشاعه این خبر
در ستنج خیلی مورث ناراضی و کدورت امالی
گردیده است -

امپراطور آستریا سه ساعت کامل با وزیر جنگ
و وزیر خارجه صحبت و در مجلسی که تمام وزرا و
رئیس الوزرای هنگری هم حاضر بود امپراطور
کنگاش نموده است

اسد پاشا از سرویا مطالبه نموده که چون درازو
جز و خاک البانی است بوی حواله نماید - سرویا
جواب داده تا وقتی که کاملاً تخلیه شهر درازو
نشود قبضه البانی بر آن نیز بیسور است

عاقبت امارت بلنار شهر سلایک را به یونان
سپرد و تمام قشونیکه در آنجا داشت عودت داد
قطر يك دسته قشون بلنار زنده در سلایک نیست
بعوض تلگراف اسلابول امالی شهر هائیکه
قبضیه بلنار در آمده با وطنان خود شان معاودت
می نمایند - چنانچه چند نفر هم که وکلای پارلمان
عثمانی بوده و از این شهر ها انتخاب شده بود
بدین امید بمرکز خود شان عودت نمودند که در
پارلمان بلنار منتخب شوند

جلس از اینکه مجلس کابینس سفرای دول در
لندن ختم شده در میان مجلس شورای وزرا منعقد
گردید و این امر سبب تشوش ارباب حل و عقد
در لندن شده است - و جنان ظاهر میشود که
وزیر خارجه آستریا حقیقت امر را بطریق صاف و
روشن در شورای وزرا پیش نمود -

اخبارات وانه بر نویسند که فقط شورای وزرا
از اقدامات چکی اظهار رضایت نموده اند -

جراید آستریا می نویسند که سفرای دول را
ابتداً و اقیات از جواب قره طاغ نبوده پس از اینکه
دولت روس مراسم تهدید آمیز بقره طاغ نکاشت
صبح بهداز آروز قره طاغ ملائمت و مسالمت اختیار
نموده بمحواب دول نوشته است که مسئله سقوطه
و سرحد بندی البانی را باید دول مشوره امارات
پاکت بنمایند - در آخر جواب خود اظهار
داشته من مقابله بدول را حاضر نیستم بلکه

جوانی و نویسان میدوا) اقدامات فوجی خواهد نمود و ایتالی در جنوبی البانی از والونا شروع خواهد کرد -

حصه از اخبارات و بانه از استماع این خبر اظهار تشویش نموده می نویسند که در این موقع استریا ضروریات قشونی در وسط اروپا لازم نیاید لشکریان خود را متفرق و منتشر سازد خصوصاً مقابله استریا با اقوام جنگجوی شمال البانی مزید گرفتاری او تواند گردید - و گمان می رود که گردوالتین استریا و ایتالی بنجه خودشان را در البانی قزو برند مجدداً بتوان این مملکت را از جنگ شان رها یابد ، چه ایتالی اگر جنوبی البانی را قبضه نماید اقتدارش در سواحل ادریاتک تکمیل تواند پذیرفت - و شمالی البانی قبضه استریا خواهد ماند که غیر مذهب و وحشی ترین اقوام بشماراند -

درو وزارت خارجه لندن اعلان اشاعه شده منداب وعده قره طاغ در تخیله سقوطه اظهار اطمینان نموده و بیان شده است از این و بعد دول اروپا غور خواهند نمود که آینده مستقلاً انتظامات سقوطه چگونه باید بشود - در عصر پنجشنبه گذشته کانترانس سفرای دول مجدداً منعقد گردید -

مستر اسکویت در مجلس شورای انگلستان من باب وعده تخیله سقوطه اطمینان بخشیده ضمناً بیان کرده که پادشاه قره طاغ به مراعات حفظ امنیت این احوالی و خبر خواهی مملکت خود در موضوع تخیله سقوطه مستوجب تجرد و تعریف است - سرادوردگری در کانفرس سفرای دول ه می بیان نموده که در دسمبر گذشته در شورای سفرای دول مسئله البانی تصفیه یافته و دولتین اسبیا و ایتالی را برای تهیه مسوده تصفیه البانی احکام نمودند که در آینده که کانفرس سفرای منعقد میشود بش کنند . سرادوردگری شرائط آن مسوده را قرائت نمود و برای تصویب دول خواهد فرستاد و هیچ گونه مباحثه در اینکه ایتالی و استریا در البانی کار روانی متحدانه خواهند نمود نشده است

در بندر حلیف پورت سعید جہاز جنگی یونان یک جہاز نقلہ انگلیس کہ حامل ذغال بود

به الزام اینکه برای عثمانی حمل نموده است گرفتار و بمعیت خود برده است

رئیس الوزرای فرانس مستر مارکو ه می در مقام کین تقریر نمود ضمناً اظهار داشته است که اگر فرانسه در محاصره بحری قره طاغ شرکت نمی نمود ممکن بود نتایج وخیمه پیش آید بدین جبهه شرکت در محاصره نمود و پایندی قرار داد دول هم کرده است ، وزیر موصوف بیان نمود که فرانسه صمیمانه خواهنش برقراری صلح و مسالمت را دارد ولی این خواهنش را تا ن درجه تقیب تواند نمود که عظمت قومی و اقتدارات وی صدمه وارد نگردد من بملت فرانسه استغانه مینمایم و یقین دارم که فرانسویان غیور در برقراری عظمت قومی و اهمیت سیاسی خود از بذل جان و مال دریغ نخواهند نمود قوانین جنگی جدید را که فرانسه ترتیب داده و سه سال خدمات قشونی را لازم دانسته اعم بر اینکه دولت و ملت با اجرای باعدم اجرای آن حکم دهند لشکریا یک دو سال خدمت کرده و اکتوبر آینده خاتمه خدمتشان است خواه بخوان باید تا سه سال دیگر در خدمت خود شان باقی مانند چه در این وقت عده قشون تحت السلاح آلمان نسبت بقشون فرانسه یکصد و بیست هزار بیش است پادشاه - قره طاغ پس از شورای دوروزه وزراء بدین مضمون تلگرافی پارسر ادورد گری نمود که دولت قره طاغ سابقاً دلائل حقوقیه خویش را بر سقوطه پیش نموده و تاریخاً هم نبوت حقیقت قره طاغ ظاهر است از این رو دولت قره طاغ نمیتواند چشم پوشی از این حقوق بینة خود نماید لذا تصفیه مسئله سقوطه را برای و تصویب دول میسپارد - و برای این درجه مسالمت خواهی بسیاری از هیئت وزرای قره طاغ استعفا نموده اند

اعلیحضرت نکولس پادشاه قره طاغ در موقعیکه بامتتهای گرمی در شورای وزراء منباب سقوطه بحث میشد بیان نمود که اینک ۵۰ سال است بوظایف سلطنتی اشتغال ورزیده با اینکه صاحب بزرگ دیده مانند امروز مصیبتی را یاد ندارم و اینک حاضر شده که برای امنیت اروپا و حفظ

نام خود از شرکت خونریزی این شربت ناگوار را بدست خود بنوشم و ترکه حقه قره طاع را بانصاف و عدالت بپارم از آن بعد قلم گرفته مسوده تلگراف به سرادوردگری را نمود وقتی که تلگراف را برای شورای وزرا قرائت می نمود خود و سامعین گریان و آب دیده گردید

قاتل پادشاه یونان (شیناش) از دریچه محبس خود را انداخته سخت زخمی شده است مخبر روتر معلوم نموده است که مختاطه قشون دول سقوطه را تصرف خواهند کرد تا زمانیکه تشکیل حکومت البانی قائم بشود

(توجهات اعلیحضرت سلطان به مسلمانان هند) اعلیحضرت سلطان توجه خود شان را نسبت به هیئت طیبه که آنریبل دوکتر سهر وردی و انجمن ضیاءالاسلام بمبئی فرستاده است نه تنها اولین هیئت طیبه هندوستان است بلکه خدماتی هم که در این جنگ نموده خیلی قابل قدر و اجتناست - چنانچه حسب الزمان سامانی مقامی که در عمرلی که محل قیام این هیئت بوده باسم جیل هندوستان نامزد فرموده و فرمائش مخصوص در این هیئت صادر نموده اند

حکومت سقوطه با امیرالبحر (برلی) مخاره می نماید که بکدام تاریخ و بچه گونه سقوطه را تخلیه نماید

پادشاه قره طاع بوقائع انگار روزنامه شان اظهار داشته که ما هرگز بتجدیدات استریا از خیالات خود باز نخواهیم آمد و هرگاه استریا بمحک مادر آید مسلم است که او را فتح حاصل خواهد شد ولی نتصانات او کثر از نتصانات انگلیس در ترسوال و قبرانس در الجزیره و روس در قفقاز نخواهد بود

اخبار تربون که جبریده نیم رسمی ایتالی است مینویسد که اگر استریا در مناقشه البانی نماید از ایتالی نه کند دولت ایتالی لزوما استریا را نمید خواهد نمود ازین رو دولت ایتالی حکم باجتماعات قشونی داده است و ایتالی برای حرب موجوده یک دیوژن قشون را کافی تصور مینماید

روزنامه حات مانه منتهیست که اسنادا قدر از

نجويزات خود عقب نخواهد گذاشت و در تاغرس سزا تصفيه نموده اقدامات فوری خویش را بر خلاف قره طاع

بر حسب اشاعه اخبارات پاریس این جواد پاشا واسعد پاشا در البانی جنگ بش آمده جواد پاشا شکست خورده و فرار نموده است -

سرویا برای پیشقدمی قشون اسعد پاشا تاشهر (در ازو) را صاف نموده و بطریق قانعانه حصه از قشون ری وارد درازو هم گردیده -

در شورای سزای دول در خصوص حکمران البانی بحث شده چنان معلوم می شود که استریا و ایتالی را رای این است که یکی ز نامزادگان آریه را بحکمران البانی انتخاب نمایند ولی نجويز دولت روس این است که انتخاب حکومت البانی باید با نمایان باشد

شورای سزای دول تا ۲۰ می ملتوی ماند - چنان کان مبرود که در آن مدت در خصوص حکومت البانی و سرحد بندی آن تصفیه هلی لازمه خواهد شد - این امر مسلم گردیده که نقشه که تا کنون برای سرحد البانی کشیده شده مخالف است با مقاصد و نیات یونان

بطریق نیم رسمی دولت یونان اعلان نموده که هیچ گونه سرحدی در اپرس منظور نتواند نمود مگر همین سرحدی که فعلاً قشون یونان موجود است

مهمه

بر حسب تلگراف لندن در دینالجرکه قشون فرانسه با الهیه مدعی سامنتنت مرا کش جنگ سخت پیش آمده ۱۸ نفر از فرانسویان مجروح و ۳۱ نفر مقتول گردیده اند

جمهور برنکس اینک که از بغاوت مستبدین و برقراری امنیت داخله آسوده بخمال صلاحات جنگی حد داده بدوا متوجه برفع نقائص بحری خود شده چنانچه بکار خجبات جہاز سازی انگلستان فرمائش بشود دو جہاز کروژاثر جنگی و ۶ جہاز مواک و دو جہاز غواص داده است گویند آن جہازات رست و دو

میلیون هم روپیه تصفیه یافته و در مدت دو سال تعمیر خواهد شد

حقوق زنان لندن

دولت انگلیس بتازه کی حکم نموده است که هر کس اعانه بزنان حقوق طلب بدهد و اشاعه خیالات آنها را کند و مقالات و سوانح شان را طبع نماید - ملزم و قانوناً نزد حکومت مجرم شناخیده خواهد آمد - چنانچه مستر دربو را در لندن بدین جرم گرفتار کرده‌ید که اخبار زنان حقوق طلب در موضع وی طبع و اشاعه می یافت - زنان حقوق طلب لندن خیلی تجاوز از حدود خود نموده باحترافات عهرات و انداختن نارنجک و شلیک رپولور و انفال ان هم مبادرت نموده حکومت را بریشان کرده و میکنند - اینها همه نتیجه آن آزادی مطلقه است که سابق زنان داده اینک از دفعش عاجز اند و عافیت همه ناچار خواهند گردید به تسلیم دعای آنها - زنان حقوق طلب لندن میگویند همان قسمی که مردان در سیاسی و اقتصادی و انتظامی دارای حقوق و صاحب رای هستند زنان هم باید باشند - میخواهند که زنان صاحب رای شده داخل پارلمان گردیده بوزارت و ریاست حق اداره جنگی هم منتخب آیند و دلیل شان این است در سوری که زن از روی وراثت که از امور عادی و عاری است میتواند مقام سلطنت را طالع گردد پس چرا نباید زنان از روی طبیعت دارای حقوق مشترک بشری باشند - دیریا زود آتش فتنه حقوق طلبی زنان انگلستان تمام اروپا را فرا گرفته حقوق مساوات زنان را حاصل خواهد آمد و بقول یکی ز محررین معروف آن زنان آغاز بزوال سیاست با اقتدار اروپا خواهد کردید

قانونی هم که حکومت انگلیس بعد از تقریر رئیس الوزرا و رئیس خارج پیش نموده بود برای جنو گیری شدید از زنان حقوق طلب بواسطه عدم اکثریت مستور گردید این نکته هم دال است بر اینکه عنقریب زنان بمرام خویش رسیده کامیاب خواهند گردید

قرضه چین از دول ششگانه صورت انجام بزرفت صرافان چین تصور میکنند که امروز فرار داد قرضه امضا خواهد یافت - قرضه مذکوره را ۵۹ بجای صد بدولت چین خواهند پرداخت

دولت ژاپوت از تقریر مشیر مالی خود برای نظارت بر مصارف این قرضه استکفاف نموده روس فرانس انگلیس المان مشیران خود را مین خواهند داشت خبر روز معلوم نموده است که عنقریب مسئله کویت و راه آهن بغداد و سرحدات جنوبی ایران بین انگلیس و باب عالی تصفیه خواهد پذیرفت - چه در این خصوص مخابرات به اندازه ضرورت شده است (جوش اسلام خواهی دختران مسلمانان روسیه) چنانچه چراند میگویند ۴ دختران از جمله ۶۰ دختران اسلامی که در دار الانون پترسبرک تعلیم می یافته - از استماع جان مجروحین عثمانی بی تاب شده موقتاً ترك تعلیم گشته برای خدمت به مجروحین وارد اسلامبول گردیدند - اساسی آنها را چنین میدوینند (۱) کانون بنت کمال ساکن قازان (۲) مریم بنت ار دستوخدون (۳) مریم بنت یعقوب از تاشقند (۴) رقیه بنت یونس آقندی ، امام جامع مسجد پترسبرک

تنگرقات راجع بایران

بر حسب ادلاع رسمی سفارت ایران در لندن کرنل (جان مارتن) رئیس کل اداره ژندارمری ایران وارد بوشهر گردیده - و اسلحه هائیکه دولت ایران برای جنوب خریداری نموده و در بوشهر موجود بود به براز جون رسیده است - و بزرا اذرع میدهد که علاوه بر افواج اولیه ژندار مری که از ظهران فارس روانه شده دو بیست و هفتاد و هشت پیاده و ۱۶۸ سواره و ۲۵ صراده توپ میتز الیوز از ظهران بنارس فرستاده شده در کلیه جنوب بطریق عموم امنیت روز افزون و دوازده است حکمران بنادر خلیج فشته ترتیب داده است که از روی آن نقشه بخوبی میتوان خلیج فارس را محسوس و مأمون داشت -

دولت ایران منظور نموده است صد هزار لیره انگلیسی را که برای صرف ژندار مری در فارس داده و نیز تصویب شده است که دو بیست هزار روپیه از قرضه جدیدیکه از روس و انگلیس گرفته شده اختصاص بمصارف و ضروریات ژندار مری داده شود بر حسب تلگراف وارده از ظهران دولت تبارک اردوشی برای سرکوبی سالار الدوله سرماً